

Financial Statement Comparability and Corporate Debt Maturity

Mohammad Arabmazar Yazdi  *

Associate Professor, Department of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Vahid Mennati 

Assistant Professor, Department of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Javad Roshanzamir 

Master of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract


Financial statement comparability improves the quality of financial information and the information environment. It hence enables users to identify similarities and differences between different companies, evaluate the performance of managers, and supervise them. So, it is expected that increasing the comparability of financial statements will limit the opportunism of managers. Accordingly, in this study, the relationship between the comparability of companies and debt maturity has been investigated. The data of the present study were collected using the financial information of 125 companies listed in the Tehran Stock Exchange in the period 2013 to 2019 (882 observations). To analyze the data, a multivariate linear regression model of the generalized least squares type by utilizing combined data was used. The results show that there is a negative and significant relationship between the comparability of financial statements and the maturity of the company's debt. Therefore, it can be concluded that financial statement comparability plays an important role in aligning incentives in a company and by reducing information asymmetry and potential agency costs, can substitute for the use of short-term debt by serving as a corporate governance mechanism.


Keywords: Financial statement comparability, Debt maturity, Agency costs.


* Corresponding Author: v_menati@sbu.ac.ir

How to Cite: Arabmazar Yazdi, M., Mennati, V., Roshanzamir, J. (2022). Financial Statement Comparability and Corporate Debt Maturity, *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 19(75), 95-123.

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سررسید بدهی شرکتی

محمد عرب مازار یزدی *  دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

وحید منتی  استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

جواد روشن ضمیر  کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نقش مهمی در همسوسازی انگیزه‌ها در شرکت ایفا کرده و امکان شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های شرکت‌های مختلف را برای ذینفعان فراهم می‌آورد. بر این اساس، ارزیابی عملکرد مدیران و نظارت بر آن‌ها تسهیل شده و انتظار می‌رود که افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، باعث محدود شدن فرصت‌طلبی مدیران شود. در همین راستا، در پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه شرکت‌ها و سررسید بدهی پرداخته شده و با استفاده از اطلاعات مالی ۱۲۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ داده‌های موردنیاز جمع‌آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، الگوی رگرسیون خطی چند متغیره از نوع حداقل مربعات تعمیم یافته با بهره‌مندی از داده‌های ترکیبی به کار گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سررسید بدهی شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ بنابراین، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نقش مهمی را در همسوسازی انگیزه‌ها در شرکت ایفا نموده و با کاهش دادن عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی بالقوه، می‌تواند در نقش سازوکار حاکمیت شرکتی جایگزین استفاده از بدهی‌های کوتاه‌مدت شود.

کلیدواژه‌ها: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، سررسید بدهی، هزینه‌های نمایندگی.

مقدمه

محصول نهایی فرایند حسابداری مالی، ارائه اطلاعات مالی به استفاده‌کنندگان مختلف است. اطلاعات مالی دارای خصوصیات کیفی است که قابلیت مقایسه از جمله آن‌هاست. مطابق این ویژگی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی باید بتوانند این گزارش‌ها را طی دوره‌های مختلف مقایسه کنند تا بتوانند روند تغییرات در وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری را تشخیص دهند (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۲). مقایسه پذیری باعث می‌شود سرمایه‌گذاران بتوانند تشابهات و تفاوت‌های اقتصادی شرکت‌های قابل مقایسه را بهتر درک و شناسایی کنند. بدین ترتیب پردازش اطلاعات با هزینه کمتر و با نیاز به قضاوت‌های کمتری نسبت به اطلاعات موجود در صورت‌های مالی انجام می‌شود. مهم‌تر اینکه با تسهیل مقایسه اطلاعات یک شرکت با شرکت‌های هم‌صنعت و قابل مقایسه، سرمایه‌گذاران می‌توانند عملکرد شرکت را از روی اطلاعات افشاشده، بهتر استنتاج کنند (Kim et al., 2021). بر اساس نظریه کمیسیون بورس و اوراق بهادار (۲۰۰۰)، وقتی سرمایه‌گذاران در مورد محاسن (شایستگی‌ها) و مقایسه پذیری سرمایه‌گذاری‌ها قضاوت می‌کنند، تخصیص کارآمد سرمایه تسهیل می‌گردد و اعتماد به نفس سرمایه‌گذار بالا می‌رود. سودمندی صورت‌های مالی قابل مقایسه و اهمیت آن، در بیان مفاهیم حسابداری از سوی هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) مورد تأکید قرار گرفته است و اذعان دارند که تصمیمات سرمایه‌گذاری و وام‌دهی آن‌ها مبتنی بر ارزیابی فرصت‌ها یا پروژه‌های جایگزین است و بدون وجود این اطلاعات قابل مقایسه نمی‌توان این تصمیمات را اتخاذ کرد (Financial Accounting Standards Board, 2010).

برای ادامه بقای شرکت‌ها، تصمیم‌گیری در مورد ساختار سرمایه، یکی از چالش‌برانگیزترین و مشکل‌ترین مسائل پیش روی آن‌ها و درعین حال، حیاتی‌ترین تصمیم (سجادی و جعفری، ۱۳۸۶). اغلب شرکت‌ها به‌نوعی از بدهی در ساختار سرمایه خود استفاده می‌کنند. ساختار سررسید بدهی، یکی از مؤلفه‌های مهم سیاست‌های مالی شرکت است که می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر رفتار واقعی شرکت در هنگام شوک‌های

نقدینگی و اعتباری داشته باشد (Custódio et al., 2013).

با توجه به مبحث نظریه نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سهامداران و اعتباردهندگان، پژوهش‌های مختلف و ادبیات موجود نشان می‌دهد که نقش سررسید بدهی به گونه‌ای است که استفاده از بدهی کوتاه‌مدت، می‌تواند سازوکاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران، بستانکاران و مدیران باشد؛ زیرا طبق نظریه علامت‌دهی، از نظر قرض‌گیرنده، شرکت‌هایی که پروژه‌های خوبی دارند از بدهی با سررسید کوتاه‌مدت استفاده می‌کنند تا از این طریق علائمی را به بازار منتقل کنند تا از مشکلات مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی کاسته شود (Gomariz & Ballesta, 2014) و از منظر اعتباردهنده، بدهی با سررسید کوتاه‌تر، کنترل و نظارت بهتر بر مدیران فراهم می‌کند (Ortiz-Molina, & Penas, 2008). از طرفی دیگر، افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، با شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های شرکت‌های مختلف، هزینه کسب اطلاعات را کاهش داده، کمیت و کیفیت کلی اطلاعات را افزایش می‌دهد و در نتیجه به‌عنوان ابزاری مؤثر برای سرمایه‌گذاران جهت نظارت بر مدیریت عمل می‌کند (De Franco et al., 2011; kim et al., 2013)؛ بنابراین با توجه به دو سازوکار قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و بدهی با سررسید کوتاه‌مدت برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود کنترل و نظارت بر مدیران، می‌توان انتظار داشت که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث ارتقا و بهبود حاکمیت شرکتی برای کاهش مشکلات مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی شود و در نتیجه نیازی به استفاده از بدهی با سررسید کوتاه‌مدت نشود. به عبارتی با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، بدهی‌های کوتاه‌مدت کاهش می‌یابد.

علیرغم اهمیت مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی، در ایران مطالعات تجربی که ارتباط میان قابلیت مقایسه و سررسید بدهی کوتاه‌مدت را مورد بررسی قرار دهند، ملاحظه نشده است و شواهد تجربی محدودی در این باره وجود دارد. لذا در مطالعه حاضر اثر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر سررسید بدهی شرکت، مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا هدف این پژوهش آن است که برای کاهش تعارضات نمایندگی، آیا حاکمیت شرکتی قوی

ناشی از مزایای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی می‌تواند در نقش یک سازوکار انضباطی بازار جایگزین بدهی کوتاه‌مدت شود یا خیر.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، حاکمیت شرکتی یکی از جنبه‌های اصلی و پویای تجارت شده و توجه به آن به‌طور تصاعدی رو به افزایش است. پیشرفت در رویه‌های حاکمیت شرکتی در سطح جهانی صورت می‌گیرد. در تعریف حاکمیت شرکتی، فدراسیون بین‌المللی حسابداران (۲۰۰۴) بیان می‌دارد که حاکمیت شرکتی، تعدادی مسئولیت‌ها و شیوه‌های اعمال‌شده توسط هیئت‌مدیره و مدیران موظف باهدف مشخص کردن مسیر راهبردی است که تضمین‌کننده دستیابی به اهداف، کنترل مناسب ریسک‌ها و مصرف منابع به‌طور مسئولانه است. آغاز حاکمیت شرکتی از طریق مالکیت سهام، تأثیر چشم‌گیری بر روش کنترل داشت و بدین ترتیب، مالکان اداره شرکت را به مدیران تفویض کردند. این جدایی مالکیت از مدیریت (کنترل) به یک مشکل سازمانی مشهور به نام مشکل نمایندگی منجر شد. مشکل آن است که مدیران لزوماً به نفع سهامداران تصمیم‌گیری نمی‌کنند. هدف اولیه شرکت‌ها، افزایش ثروت سهامداران است، اما در عمل همواره این‌گونه نیست. این احتمال وجود دارد که مدیران ترجیح دهند منافع خود، مثل کسب بیش‌ترین پاداش ممکن را دنبال کنند (حساس یگانه، ۱۳۹۴). در نظریه نمایندگی، ساختار سررسید بدهی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای شرکت برای تسکین مشکل نمایندگی مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا ادبیات موجود نشان می‌دهد که استفاده از بدهی کوتاه‌مدت فرصت‌های مدیران را برای سودآوری خود با هزینه سهامداران دیگر کاهش می‌دهد؛ زیرا در مقایسه با بدهی بلندمدت، بدهی با سررسید کوتاه شامل تمدید و یا تأمین مالی مجدد است که به‌نوبه خود موشکافی بیشتری را بر وام‌گیرنده تحمیل می‌کند و شفافیت اطلاعات را افزایش می‌دهد (Harris & Raviv, 1990; Rajan & Winton, 1995) همچنین اعتباردهندگان ارتباط نزدیک‌تری با استقراض‌کننده داشته و می‌توانند با عملکرد اولیه شرکت آشنا شوند و در مورد این که آیا قراردادی مجدد تنظیم کنند و یا تغییراتی در آن ایجاد کنند، تصمیم‌گیری

کنند، بنابراین، کوتاه بودن سررسید بدهی باعث می‌شود تا مدیران بهتر کنترل شوند (Gomariz & Ballesta, 2014). همچنین بر اساس نظریه علامت‌دهی، (Flannery (1986 بیان می‌دارد که در شرایط عدم تقارن اطلاعات، از دیدگاه اعتبار گیرنده، شرکت‌هایی که پروژه‌های خوبی دارند، سررسید بدهی کوتاه‌تر را برای ارائه علامت‌دهی به بازار و کاهش مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی ترجیح می‌دهند؛ بنابراین، در این شرایط، نقش سررسید بدهی به گونه‌ای است که استفاده از بدهی کوتاه‌مدت، می‌تواند سازوکاری برای تضعیف هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران، بستانکاران و مدیران باشد (مشایخی و محمدپور، ۱۳۹۳).

در حوزه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، باوجود تأکید سیاست‌گذاران بر اهمیت قابلیت مقایسه، مطالعات تجربی نسبتاً کمی درباره آن انجام شده است و شواهد مربوط به اهمیت آن اندک است (Schipper, 2003). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مزایای متعددی نظیر افزایش کیفیت اطلاعات (De Franco et al., 2011)، افزایش نقد شوندگی و حجم معاملات سهام (Barth et al., 2013) و کاهش مزایای ناشی از استفاده از اطلاعات محرمانه (Brochet et al., 2013) و کاهش هزینه تأمین مالی برای شرکت‌ها (Zhang, 2018) و کاهش نگهداشت وجه نقد (Habib et al., 2017) را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این، اطلاعات حسابداری قابل مقایسه به‌عنوان یکی ابزار نظارتی مؤثر برای کنترل و محدود ساختن مدیریت سود تعهدی به شمار می‌رود (Sohn, 2016).

مطالعات اخیر نشان می‌دهد که قابلیت مقایسه باعث کاهش هزینه‌های تحصیل و پردازش اطلاعات و افزایش کیفیت اطلاعات ارائه‌شده به سرمایه‌گذاران می‌شود. (De Franco et al., 2011; Barth et al., 2012; Kim et al., 2013; Chen et al., 2018). ازجمله پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه مطالعه (De Franco et al (2011) است که اذعان می‌دارند که قابلیت مقایسه امکان مقایسه هدفمند میان بنگاه‌ها را فراهم می‌کند به طوری که تحلیلگران نه تنها می‌توانند نتیجه‌گیری دقیق‌تری درباره شباهت و تفاوت میان بنگاه‌های مشابه داشته باشند بلکه با نحوه تبدیل رویدادهای اقتصادی به عملکرد بنگاه بهتر

آشنا می‌شوند. علاوه بر این از آنجایی که بنگاه‌های قابل مقایسه الگوهای مناسبی برای یکدیگر هستند انتقال اطلاعات میان آن‌ها می‌تواند میزان تلاش تحلیلگران برای شناسایی و تحلیل صورت‌های مالی آن‌ها را کاهش بدهد. همچنین Kim et al (2013) معتقدند که صورت‌های مالی قابل مقایسه امکان شناسایی و ارزیابی عملکرد بنگاه را برای سرمایه‌گذاران ساده‌تر می‌کند زیرا آن‌ها در هنگام مقایسه عملکرد یک بنگاه با عملکرد هم‌تایان آن به اصلاحات و محاسبات ارزیابی کمتر با ارقام حسابداری نیاز پیدا می‌کنند. در واقع افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث کاهش عدم اطمینان مرتبط با ارزیابی عملکرد و افزایش کمیت و کیفیت اطلاعات برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی و به‌طور کلی، افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود که در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد (Habib et al., 2017). همچنین همان‌طور که تشریح شد، بدهی با سررسید کوتاه‌مدت هم نیز باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود، بنابراین اطلاعات عمومی تهیه‌شده توسط گزارشگری مالی با کیفیت و اطلاعات خصوصی ناشی از قراردادهای بدهی کوتاه‌مدت قابل جایگزین می‌شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳؛ مشایخی و محمدپور، ۱۳۹۳). با توجه به مطالب بیان‌شده استدلال می‌شود به‌جای استفاده از سررسید بدهی کوتاه‌مدت برای کاهش بالقوه مشکلات نمایندگی، حاکمیت شرکتی قوی ناشی از قابلیت مقایسه، اطمینان می‌دهد که مدیران با احتمال کمتری رفتار فرصت‌طلبانه انجام می‌دهند و در نتیجه نیازی به ایجاد بدهی کوتاه‌مدت برای ایجاد یک نتیجه مشابه وجود ندارد (Do, 2021). علاوه بر این، علاوه بر این، استفاده سنگین از تأمین مالی بدهی کوتاه‌مدت، یک شرکت را در معرض خطر تمدید یا تبدیل بدهی قرار می‌دهد و متعاقباً منجر به کیفیت اعتبار پایین‌تر می‌شود (He & Xiong, 2012; Gopalan et al., 2014)؛ بنابراین، برای شرکت‌هایی که صورت‌های مالی قابل مقایسه گزارش کرده‌اند، وام‌دهندگان تمایل بیشتری به ارائه وام کمتر، سررسید طولانی‌تر دارند (Fang et al., 2016).

Kim et al (2013) در مطالعه‌ای به بررسی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ریسک

اعتباری پرداختند. طبق یافته‌های آنان شرکت‌هایی که صورت‌های مالی قابل مقایسه ارائه

می‌دهند، بدهی با سررسید کوتاه‌مدت ممکن است پر ریسک‌تر و کمتر از بدهی بلندمدت ترجیح داده شود؛ زیرا افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، هزینه‌های دستیابی و پردازش اطلاعات را کاهش داده و ابزاری مؤثر برای سرمایه‌گذاران جهت نظارت بر مدیریت عمل می‌کند و به کاهش عدم اطمینان اعتباردهندگان به ریسک اعتباری شرکت منجر می‌شود. (Do (2021) با مطالعه قابلیت مقایسه صورت مالی و سررسید بدهی شرکت‌ها، شواهدی ارائه داد که قابلیت مقایسه، تأثیر منفی بر بدهی کوتاه‌مدت داشته است. سازگار با این مفهوم که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نقش مهمی در همسوسازی انگیزه‌ها در شرکت ایفا می‌کند، اثر منفی در مواردی که مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی شدیدتر هستند، بیشتر مشخص می‌شود. به‌طور کلی، یافته‌های ایشان نشان داده است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی می‌تواند با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به‌عنوان یک سازوکار حاکمیت شرکتی، جایگزین استفاده از بدهی کوتاه‌مدت شود. جعفری و همکاران (۱۴۰۰) رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ساختار سررسید بدهی (بلندمدت) را مورد مطالعه قرار دادند. آنان در بررسی ۱۱۴ شرکت ارتباط مثبت و معناداری بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سررسید بدهی بلندمدت گزارش کردند. برخلاف مطالعه ما، آن برای اندازه‌گیری سررسید بدهی از نسبت بدهی بلندمدت استفاده کرده‌اند. Fang et al (2016) به بررسی تأثیر مقایسه پذیری حسابداری بر قرارداد بدهی در یک بخش مهم از بازار اعتبار موسوم به بازار وام‌های سندیکایی، پرداختند. شرکت‌هایی که از اطلاعاتی با قابلیت مقایسه بیشتر برخوردارند، از ابهام کمتری در ارزشیابی برخوردار بوده و وام‌دهندگان پیشگام متحمل هزینه‌های کمتری برای نظارت و پایش می‌شوند. در این صورت قرض‌گیرندگانی با صورت‌های مالی دارای قابلیت مقایسه بیشتر نسبت به شرکت‌های هم نوع خود در صنعت مربوطه، از هزینه‌های بدهی کمتری بهره‌مند گردند. علاوه بر مفاد مربوط به قیمت‌گذاری (هزینه بدهی)، مقایسه پذیری اطلاعات حسابداری می‌تواند بر شرایط غیر قیمت‌گذاری (وثیقه)، مندرج در قراردادهای وام نیز تأثیر داشته باشد. مقایسه پذیری اطلاعات حسابداری باعث تسهیل انتقال اطلاعات باکیفیت بالا در بین

وام‌دهنده و وام‌گیرنده شود و به شکلی مؤثر نظارت واپسین وام‌دهنده‌ها را بهبود بخشد، در این صورت وام‌دهندگان به احتمال کمتری درخواست وثیقه را به وام‌گیرنده تحمیل می‌کنند. در مطالعه هاشمی و همکاران (۱۳۹۳)، با تکیه بر نتایج پژوهش (Gomariz & Ballesta (2021) و همچنین مشایخی و محمدپور (۱۳۹۳) نشان دادند کیفیت گزارشگری مالی و بدهی با سررسید کوتاه‌مدت سازوکارهای تا حدودی جایگزین در افزایش کارایی سرمایه‌گذاری هستند. آن‌ها گزارش کردند که دو سازوکار افزایش کیفیت گزارشگری مالی و استفاده از بدهی کوتاه‌مدت باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود؛ بنابراین اطلاعات خصوصی ناشی از قراردادهای بدهی و اطلاعات عمومی که در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی بالاتر ایجاد می‌گردد تا حدودی جایگزین هستند. در پژوهش‌هایی دیگر برای کاهش تعارض‌های نمایندگی شواهدی ارائه می‌دهند که سرمایه‌گذاران خارجی و سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار نظارتی جایگزین برای قدرت نفوذ در کاهش تعارض‌های نمایندگی عمل کنند (Do et al.,2019; Huang & Shang,2019).

در پژوهش دیگر، تقی‌زاده و طالب‌نیا (۱۳۹۷)، با مطالعه جنبه‌ای از پیامدهای سر-رسید بدهی، بدهی‌های کوتاه‌مدت، سازوکاری است که مدیران را در معرض نظارت‌های مکرر قرار می‌دهد. مطالعه Zhan (2021) و همچنین پژوهش داخلی غنی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، حاکی از آن است که افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری با کاهش مزایای ناشی از استفاده از اطلاعات محرمانه و هزینه کسب و پردازش اطلاعات، موجود کاهش عدم اطمینان مشارکت‌کنندگان بازار بدهی نسبت به ریسک اعتباری شرکت‌ها می‌شود که این امر کاهش هزینه تأمین مالی از طریق بدهی شرکت‌های مذکور را به دنبال خواهد داشت.

مهربان پور و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود استدلال می‌کنند که از آنجا که صورت‌های مالی مقایسه‌پذیر، به افزایش کمی و کیفی اطلاعات حسابداری و نیاز کمتر به تعدیل و قضاوت استفاده‌کنندگان منجر می‌شود، امکان ارزیابی عملکرد و نظارت بهتر بر مدیران در نحوه استفاده از منابع سرمایه را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد. بنابراین،

اطلاعات حسابداری با قابلیت مقایسه بیشتر، می‌تواند فرصت‌طلبی مدیران در ارتباط با ذخیره وجه نقد را محدود کند. این کار، باعث کاهش هزینه سرمایه و نگهداشت وجه نقد و محدودیت مالی خارجی را در پی دارد.

Kim et al (2013) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت مالی بر ریسک سقوط مورد انتظار پرداختند. آن‌ها با استفاده از معیارهای قابلیت مقایسه شواهدی را ارائه کردند که نشان می‌دهد قابلیت مقایسه می‌تواند واکنش نامتقارن بازار به افشای اخبار منفی و اخبار مثبت را کاهش بدهد. سرمایه‌گذاران با دسترسی به اطلاعات مربوط به بنگاه‌های مشابه و امکان شناسایی اطلاعات نه تنها می‌توانند شناخت بهتری از عملکرد بنگاه داشته باشند بلکه بخشی از اخبار منفی درباره آن را از طریق استنتاج بر اساس عملکرد و یا افشای هم‌تایان مشابه آن کسب می‌کنند (حتی در صورت عدم افشا)؛ بنابراین مزایای مخفی کردن اخبار منفی برای مدیران احتمالاً کمتر خواهد بود و هزینه‌های مربوطه احتمالاً بیشتر خواهد بود. در نتیجه باعث کاهش فرصت‌طلبی مدیران و باعث تسهیل و کاهش هزینه‌های اطلاعات و افزایش کیفیت اطلاعات می‌شود.

بنابراین با توجه نتایج پژوهش‌هایی که در بالا ارائه شده، با عنایت به آنکه دو سازوکار قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و بدهی با سررسید کوتاه‌مدت برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود کنترل و نظارت بر مدیران استفاده می‌شود، می‌توان انتظار داشت که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث ارتقا و بهبود حاکمیت شرکتی برای کاهش مشکلات مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی شود و در نتیجه نیازی به استفاده از بدهی با سررسید کوتاه‌مدت نشود. به عبارتی با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، بدهی‌های کوتاه‌مدت کاهش می‌یابد؛ لذا فرضیه پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با سررسید بدهی رابطه معکوس و معناداری دارد.

روش

جامعه آماری پژوهش عبارت است از کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (به‌عنوان بزرگ‌ترین بازار سرمایه در ایران)، طی دوره زمانی ۷ سال (از ۱۳۹۲ تا

۱۳۹۸). انتخاب نمونه با به‌کارگیری روش غربالگری (حذفی) انجام شده است. انتخاب نمونه با در نظر گرفتن محدودیت‌های زیر می‌باشد:

۱. با توجه به اطلاعات موردنیاز از سال ۱۳۹۲، شرکت‌هایی که حداکثر تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۸ در بورس و اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند و نام آن‌ها تا پایان سال ۱۳۹۸ از فهرست شرکت‌های یادشده، حذف نشده باشد. برای محاسبه متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی برای هر سال به اطلاعات ۱۶ فصل قبل (۴ سال) نیاز داریم. به همین دلیل بایستی اطلاعات سود و بازده سهام از بهار ۱۳۸۹ موجود باشند، فلذا بایستی شرکت‌ها حداکثر تا سال ۱۳۸۸ در بورس پذیرفته شده باشند.

۲. در طول دوره موردنظر، سهام آن‌ها به‌طور فعال در بورس معامله شده باشند.

۳. به‌منظور افزایش قابلیت مقایسه شرکت‌های موردبررسی، دوره مالی آن‌ها باید منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد و در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداشته باشند.

۴. جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (سرمایه‌گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بانک‌ها و بیمه‌ها) به دلیل متفاوت بودن ساختار عملکرد آن‌ها، نباشند. در واقع این مؤسسات از لحاظ ماهیت فعالیت، متفاوت بوده و درآمد اصلی آن‌ها حاصل از درآمد سرمایه‌گذاری است و افشای اطلاعات مالی و ساختارهای حاکمیت شرکتی در آن‌ها متفاوت است.

با توجه به این که بعضی از شرکت‌ها برای اولین بار در بورس عرضه شده‌اند، بنابراین باید حداکثر تا قبل از پایان سال ۱۳۸۸ در بورس عرضه شده باشند و در تا پایان سال ۱۳۹۸ حذف نشده باشند. هم‌چنین به‌منظور افزایش قابلیت مقایسه شرکت‌های موردبررسی، سال مالی آن‌ها باید منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد و در دوره مورد مطالعه تغییر دوره مالی نداشته باشند تا شاخص‌های محاسبه شده در پایان سال مالی دارای تطابق زمانی لازم باشد. جدول ۱ انتخاب نمونه آماری با اعمال محدودیت‌ها و شرایط جامعه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. انتخاب نمونه آماری با اعمال محدودیت‌ها و شرایط جامعه

تعداد شرکت‌ها در بورس تا پایان سال ۱۳۹۸	۵۳۶ شرکت
تعداد شرکت‌های که در سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۸ در بورس حضور نداشته‌اند.	۱۲۵ شرکت
تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند نمی‌باشد.	۸۵ شرکت
تعداد شرکت‌هایی که تغییر فعالیت یا سال مالی داده باشند.	۴۶ شرکت
تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات مورد نیاز آن در دسترس نباشد.	۳۷ شرکت
تعداد شرکت‌هایی که شامل طبقه‌بندی موسسه‌های مالی، سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه هستند.	۱۱۸ شرکت
جمع	۴۱۱ شرکت
تعداد شرکت‌هایی که داده‌های آن‌ها جمع‌آوری شده است (نمونه نهایی)	۱۲۵ شرکت

برای آزمون فرضیه پژوهش، از مدل برگرفته‌شده (Do (2021) به شرح زیر استفاده شده است که البته با توجه به شرایط ایران متغیرهایی از مدل حذف شده است مانند نرخ رتبه‌بندی اعتباری، هزینه‌های تحقیق و توسعه:

$$ST = \beta_0 + \beta_1 FSC_{it} + \theta X_{it} + E_{it} \quad \text{معادله ۱}$$

در این مدل، متغیر وابسته (ST)، سررسید بدهی کوتاه‌مدت شرکت است. ضریب قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (FSC)، تأثیر مقایسه پذیری بر بدهی کوتاه‌مدت را نشان می‌دهد.

متغیر مستقل

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (FSC) به شرکت‌ها اشاره دارد که به‌عنوان نزدیکی سیستم‌های حسابداری بین دو شرکت اندازه‌گیری می‌شود. X هم برداری از متغیرهای کنترلی است. متغیر مستقل با الگوی (De Franco et al (2011) سنجیده می‌شود. بر اساس این الگو، سیستم حسابداری یک شرکت، تابعی در نظر گرفته می‌شود که رویدادهای اقتصادی (بازده سهام) را به گزارش‌های مالی (سود حسابداری) تبدیل می‌کند. به‌طوری‌که هر چه تابع حسابداری دو شرکت شباهت بیشتری باهم داشته باشد، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی آن‌ها بیشتر خواهد بود.

برای برآورد پارامترهای این مدل از روش داده‌های ترکیبی (تابلویی یا تلفیقی) بهره برده‌ایم. تعداد مقاطع مدل حاضر، ۱۲۵ شرکت بورسی و سری زمانی سالیانه طی سال‌های مالی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸ می‌باشد. برای بررسی صحت اعتبار و ارزیابی و معناداری ضرایب مدل نیز از آزمون‌های تشخیص ویژه داده‌های تابلویی استفاده کرده‌ایم.

ما روش (De Franco et al (2011) را برای ساخت سنجه اصلی خویش و برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه صورت مالی (FSC)، اجرا کرده‌ایم. وی سیستم حسابداری را در قالب یک تابع از رویدادهای اقتصادی به صورت‌های مالی تعریف می‌کند. ایده اصلی این سنجه آن است که دو شرکت با سیستم‌های حسابداری قابل مقایسه، بایستی برای مجموعه‌ای از رویدادهای اقتصادی، صورت‌های مالی مشابهی برخوردار باشند. برای سنجش تابع حسابداری یک شرکت انفرادی i در هر سال، (De Franco et al (2011) رگرسیون سری زمانی ذیل را با استفاده از سودهای فصلی چهار سال اخیر منتهی به سال t (شاخصی برای صورت‌های مالی) و بازده‌های سهام فصلی چهار سال منتهی به سال t (شاخصی برای رویدادهای اقتصادی) اجرا کرده‌ایم.

معادله ۲. $Earnings_{it} = \alpha_i + \beta_i Return_{it} + \varepsilon_{it}$

ضرایب برآورده شده α_i و β_i ، سیستم حسابداری شرکت i هستند که رویدادهای اقتصادی شرکت را در صورت‌های مالی نشان می‌دهند. توجه داریم که استفاده از دوره زمانی فصلی، برای فرآیند محاسبه قابلیت مقایسه (FSC) می‌باشد و ارتباطی به دوره زمانی مدل اصلی (اثر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر سررسید بدهی کوتاه‌مدت) ندارد. ما نیز در اینجا به‌خاطر عدم محدودیت در وجود داده‌های ۱۶ فصل منتهی به هر سال مالی دوره زمانی مذکور (۹۸-۱۳۹۲)، همچون (De Franco et al (2011) و (Do (2021) عمل کرده‌ایم و از این ۱۶ فصل استفاده کرده‌ایم. لازم به ذکر است که در تعدادی از مطالعات داخلی، بجای استفاده از سودهای فصلی (شاخصی برای صورت‌های مالی) و بازده‌های سهام فصلی (شاخصی برای رویدادهای اقتصادی) از سودها و بازده‌های سالانه یا شش ماه استفاده کرده‌اند، اما در این پژوهش همانند مدل (De Franco et al (2011)، از شاخص -

های فصلی سود و بازده استفاده کرده‌ایم. با توجه به تعریف این مدل از قابلیت مقایسه، چنانچه به بتوان دو شرکت i و j را با یکدیگر مقایسه کرد، با قرار دادن بازده شرکت i در سیستم حسابداری شرکت j ، انتظار می‌رود نتایج مشابهی به دست آید، بنابراین، برای شرکت j ، نیز مانند شرکت i با استفاده از داده‌های سری زمانی شرکت j ضرایب α_i و β_i برآورد می‌شود. برای اندازه‌گیری میزان شباهت سیستم‌های حسابداری شرکت‌های i و j ، De Franco et al (2011) واکنش حسابداری شرکت i و شرکت j را به رویدادهای اقتصادی شرکت i محاسبه می‌کند.

با استفاده از معادله زیر، سود مورد انتظار شرکت i در سال t یک‌بار با ضرایب i و یک‌بار با ضرایب j برآورد می‌گردد:

$$E(Earnings_{ii,t}) = \alpha_i + \beta_i Return_{it} \quad \text{معادله ۳}$$

$$E(Earnings_{ij,t}) = \alpha_j + \beta_j Return_{it} \quad \text{معادله ۴}$$

$E(Earnings_{ii,t})$: سود مورد انتظار شرکت i با توجه به سیستم حسابداری و بازده شرکت i در فصل t

سود $E(Earnings_{ij,t})$: مورد انتظار شرکت j با توجه به سیستم حسابداری شرکت j و بازده شرکت i در فصل t است که برابر است با سود خالص فصلی تقسیم‌بر ارزش بازار فصلی حقوق صاحبان سهام

$comparability_{ij,t}$ مقایسه پذیری دو شرکت i و j است؛ یعنی قدر مطلق تفاوت بین سودهای پیش‌بینی شده با استفاده از بازده شرکت i در سیستم حسابداری شرکت‌های i و j برای فصل گذشته:

$$comprability_{ij,t} = -\frac{1}{16} \sum_{i=1}^n |E(Earnings_{ii,t}) - E(Earnings_{ij,t})| \quad \text{معادله ۵}$$

برای ساخت سنجه قابلیت مقایسه بر اساس سال شرکت (به اختصار FSC_{it})، میانگین ۴ مورد از بالاترین امتیازات مقایسه پذیری شرکت i در طی سال t را در نظر می‌گیریم. با توجه به اینکه $FSC_{ij,t}$ غیر مثبت است، مقدار بالاتر $FSC_{ij,t}$ به منزله درجه مقایسه پذیری

بیشتر صورت‌های مالی می‌باشد.

متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش سررسید بدهی کوتاه‌مدت (ST) می‌باشد. برای محاسبه سررسید بدهی کوتاه‌مدت، از نسبت بدهی‌های جاری در پایان سال به کل بدهی‌های پایان سال t در طی دوره مالی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸ به صورت سالانه استفاده می‌کنیم (Do, 2021).

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): یکی از متغیرهای کنترلی به کاررفته در این پژوهش، اندازه شرکت می‌باشد. لذا در این پژوهش اندازه شرکت i که با size نشان می‌دهیم به صورت سالانه در دوره ۹۸-۱۳۹۲ برابر با لگاریتم طبیعی ارزش بازار دارایی‌ها در پایان سال t است. لازم به ذکر است که متغیرهای کنترلی ما نیز مطابق پژوهش Do, 2021 در نظر گرفته شده است. ارزش بازار دارایی‌ها را برابر با ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در پایان سال به علاوه ارزش دفتری بدهی‌ها در پایان سال قرار داده‌ایم. این متغیر در تعریف چند متغیر دیگر همچون (اهرم شرکت و سود غیرعادی) به کار می‌رود.

مربع اندازه شرکت ($Size^2$): مربع اندازه شرکت i در سال t

اهرم (lev): اهرم شرکت i سال t که برابر است با نسبت کل بدهی‌ها در پایان سال به ارزش بازار دارایی‌ها در پایان سال.

بازده دارایی (ROA): بازده سالانه دارایی‌های شرکت i در سال t ، در این پژوهش برای سنجش این متغیر، از بازده دارایی‌ها استفاده شده است که برابر است با نسبت سود خالص سالانه پایان سال به دارایی‌های پایان سال.

سود غیرعادی (Abnormal earning): با توجه به آن که ممکن است اقلام غیر مکرر یا استثنایی نظیر سود و زیان فروش دارایی‌ها که سود خالص را تحت‌الشعاع قرار دهد، از معیار سود عملیاتی برای این متغیر استفاده کرده‌ایم و عبارت است از تفاوت سود عملیاتی در پایان سال t و سال $t-1$ تقسیم بر ارزش بازار دارایی‌های پایان سال t .

ارزش بازار به دفتری (M/B): در این پژوهش برای کنترل تفاوت در فرصت‌های رشد شرکت‌ها از نسبت ارزش بازار دارایی‌های پایان سال به ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان سال استفاده شده است.

نوسان بازده دارایی (Fluctuations in asset returns): نوسان بازده دارایی شرکت i برابر است با انحراف معیار بازده فصلی سهام (فصول طی سال مالی t)، ضربدر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام پایان سال تقسیم بر ارزش بازار دارایی‌های در پایان سال. داده‌های پژوهش در مرحله اول، به لحاظ توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. این بخش، شامل آماره‌های مرکزی و پراکندگی داده‌هاست. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون مقطعی به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. تمامی آزمون‌ها به وسیله نرم‌افزار آماری Eviews انجام شده‌اند. از آنجائی که داده‌های پژوهش از نوع ترکیبی می‌باشند، برای انتخاب یکی از روش‌های تلفیقی یا تابلویی از آماره F استفاده شده و آزمون هاسمن نیز برای تعیین روش تخمین در روش داده‌های تابلویی به کار می‌رود. به منظور تخمین پارامترها از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

با بررسی متغیرهای پژوهش، جدول ۲ در بردارنده اصلی‌ترین شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است.

جدول ۲. شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

عنوان متغیرها	سررسید بدهی	صورت‌های مالی	قابلیت مقایسه	اندازه شرکت	مربع اندازه شرکت	مربع اندازه شرکت	ارزش بازار به ارزش دفتری	بازده دارایی‌ها	نوسان بازده دارایی	اهرم شرکت	سود غیرعادی
شاخص‌های وصفی	ST3	FSC	Size	Size2	M/B	ROA	Fluctuations in asset returns	Lev	Abnormal earnings		
میانگین	۰/۸۹۶۱	-۱/۴۶۲۰	۱۵/۱۲۹	۲۳۱/۳۲	۲/۱۸۴۱	۰/۱۰۹۵	۰/۱۱۵۱	۰/۳۵۹۱	۰/۰۰۸۳		
میانه	۰/۸۹۷۱	-۰/۳۳۱۴	۱۴/۹۰۰	۲۲۱/۹۴	۱/۶۲۰۰	۰/۱۰۱۷	۰/۰۹۰۰	۰/۳۴۰۰	۰/۰۱۰۸		
ماکسیمم	۰/۹۹۲۲	۰/۰۰۰۰	۲۰/۸۹۰	۴۳۶/۲۳	۱۹/۴۶۰	۰/۶۲۶۷	۰/۷۸۰۰	۰/۸۷۰۰	۰/۲۵۷۱		
مینیمم	۰/۷۹۵۹	-۱۰/۵۲۲	۱۱/۱۳۰	۱۲۳/۸۳	۰/۳۶۰۰	-۱/۱۹۱۱	۰/۰۱۰۰	۰/۰۱۰۰	-۰/۳۰۶۲		
انحراف معیار	۰/۰۳۷۰	۲/۱۹۰۷	۱/۵۵۹۸	۴۹/۰۴۳	۱/۷۶۱۸	۰/۱۶۷۱	۰/۰۹۹۸	۰/۲۰۱۶	۰/۰۵۸۷		
چولگی	-۰/۰۵۶۴	-۱/۸۱۰۳	۰/۶۹۷۹	۱/۰۵۲۹	۴/۰۷۱۱	-۱/۲۹۲۵	۲/۱۳۵۳	۰/۳۰۱۹	-۰/۶۱۴۶		
کشیدگی	۲/۶۵۰۸	۵/۶۶۳۶	۳/۸۶۰۴	۴/۵۶۳۹	۲۷/۵۲۶	۱۲/۱۲۱	۹/۷۳۵۲	۲/۲۶۲۳	۷/۱۴۲۱		
مشاهدات	۸۸۲	۸۸۲	۸۸۲	۸۸۲	۸۸۲	۸۸۲	۸۸۲	۸۸۲	۸۸۲		

میانگین برای متغیر سررسید بدهی برابر ۰/۸۹۶ می‌باشد؛ بنابراین به‌طور متوسط حدود ۸۹ درصد از کل بدهی‌های شرکت‌ها را بدهی‌های جاری تشکیل داده‌اند. مشابهت مقدار میانگین و میانه نشان‌دهنده نرمال بودن این متغیر می‌باشد. انحراف معیار برای متغیر سررسید بدهی برابر ۰/۰۳۷ بوده که نشان می‌دهد داده‌ها نزدیک به هم و میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر زیاد نیست. ضریب چولگی برای متغیر سررسید بدهی منفی و نزدیک صفر، بیانگر توزیع نرمال و خیلی کم چوله به چپ می‌باشد. مقدار میانگین اندازه شرکت ۱۵/۱۲۹ بوده و بیشترین مقدار آن با اندازه ۲۰/۸۹۰ متعلق به شرکت فولاد مبارکه اصفهان در سال ۹۸ می‌باشد که نشان می‌دهد بزرگ‌ترین شرکت کشور بوده است. مقدار میانگین ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی ۲/۱۸۴ می‌باشد که نشانگر این است ارزش بازار شرکت‌ها نسبت به ارزش دفتری آن در ابتدای سال مالی، به‌طور متوسط ۱۱۸ درصد افزایش داشته است. البته باید خاطر نشان کرد که نرخ ارز در سال‌های اخیر و در نتیجه قیمت سهام شرکت‌ها رشد

قابل توجهی را تجربه کرده‌اند که نقش بسزایی در بالا بردن مقدار میانگین مزبور داشته‌اند. مقدار میانگین بازده دارایی‌ها ۰/۱۰۷ می‌باشد و بیانگر این است که شرکت‌ها به ازای هر یک ریال دارایی، توانسته‌اند حدود ۰/۱۰ ریال سود خالص کسب نمایند. هم‌چنین مقدار چولگی آن ۱/۲۶۵-، چولگی به سمت چپ را نشان می‌دهد و لذا مقدار میانه از میانگین بیشتر است. بیشتر بودن مقدار میانه نسبت به میانگین نشان می‌دهد که نقاط بزرگ زیادی در داده‌ها وجود ندارند. میانگین اهرم ۰/۳۶۳ است که نشان می‌دهد حدود ۳۶ درصد از مبالغ موردنیاز برای تأمین مالی شرکت از محل بدهی و تسهیلات بوده است. به‌منظور آزمون پایایی متغیرهای پژوهش از آزمون لوین، لین و چاو استفاده و نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون لوین، لین و چاو

نتیجه	سطح معناداری	آماره‌ی آزمون لوین، لین و چاو	نماد متغیرها	نام متغیرها
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۲۷/۴۶۸۸	ST3	سررسید بدهی
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۸/۹۶۲۲۹	FSC	قابلیت مقایسه صورت‌های مالی
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۲۹/۳۲۵۶	Size	اندازه شرکت
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۲۲/۰۳۲۸	Size ²	مربع اندازه شرکت
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۵۸/۵۱۸۷	B/M	ارزش بازار به ارزش دفتری
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۸/۴۹۳۳	ROA	بازده دارایی‌ها
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۱۸/۹۴۷۱	Fluctuations in asset returns	نوسان بازده دارایی
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۹/۲۱۶۲۷	Lev	اهرم شرکت
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۲۷/۷۰۰۱	Abnormal earnings	سود غیرعادی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود سطح معناداری آزمون ریشه واحد در همه متغیرها کمتر از ۰/۰۵ بوده و نشان می‌دهد که از مرتبه صفر I(0) و در سطح مانا هستند. این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ ثابت و نشانگر پایایی متغیرها می‌باشد.

ضریب همبستگی پیرسون، میزان ارتباط خطی بین دو متغیر را اندازه‌گیری می‌کند. جدول ۴ خلاصه نتایج این ارزیابی را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج همبستگی الگو مدل ۱

Abnormal earnings	Lev	Fluctuations in asset returns	ROA	B/M	Size ²	Size	FSC	ST3	Correlation
								۱	سررسید بدهی
							۱	-۰/۰۶۳۷	قابلیت مقایسه
						۱	-۰/۲۲۷۴	۰/۳۳۵۵	اندازه
					۱	۰/۴۹۷۰	-۰/۲۴۸۸	-۰/۳۱۶۵	مربع اندازه
				۱	۰/۱۹۰۸	۰/۲۰۱۵	۰/۰۴۹۸	۰/۰۸۶۴	ارزش بازار به دفتری
			۱	۰/۳۳۶۶	۰/۲۱۱۸	۰/۲۲۲۵	-۰/۰۶۳۰	۰/۰۰۱۰	بازده دارایی
		۱	۰/۱۷۷۳	۰/۱۵۳۶	۰/۰۸۰۴	۰/۰۸۸۹	۰/۰۳۹۳	-۰/۱۴۴۵	نوسان بازده دارایی
	۱	-۰/۳۴۱۶	-۰/۵۸۸۱	-۰/۵۸۷۷	-۰/۰۹۴۶	-۰/۰۹۹۱	۰/۰۷۰۷	۰/۴۱۱۷	اهرم
۱	-۰/۱۹۱۵	۰/۱۷۹۵	۰/۳۳۳۹	۰/۰۹۶۲	۰/۱۲۴۳	۰/۱۳۰۷	۰/۰۳۵۶	۰/۰۴۲۷	سود غیرعادی

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که هرگاه ضریب همبستگی کمتر از ۰/۷۵ باشد، بین متغیر-های مستقل همبستگی وجود ندارد. در ادامه نتایج آزمون‌های شناسایی نوع مدل رگرسیون گزارش شده است (جدول ۵). جهت مشخص کردن روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی)، از آزمون F لیمر استفاده شده است: روش تلفیقی: H_0 و روش تابلویی: H_1 . آزمون هاسمن نیز برای تعیین استفاده از مدل اثرات ثابت در مقابل اثر تصادفی است که فرضیه صفر آن روش اثرات تصادفی است.

جدول ۵. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

نتیجه	سطح معنی‌داری	آزمون هاسمن	نتیجه	سطح معناداری	آزمون اف لیمر	نتیجه
اثرات ثابت	۰/۰۰۰۰	۳۴/۳۹۳۸۱۹	تابلویی	۰/۰۰۰۰	۱۰/۰۷۷۵۵۹	مدل فرضیه پژوهش

بنابر نتیجه آزمون F لیمر، از آنجایی که ارزش احتمال آماره محاسبه شده ۰,۰۰ و کمتر از ۰,۰۵ شده است، فرضیه صفر مبنی بر تجمعی بودن مدل رد شده و این آزمون حکم به تابلویی بودن مدل می‌دهد. همچنین نتایج آزمون هاسمن نیز فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی را رد می‌کند؛ بنابراین از اثرات ثابت جهت تجزیه و تحلیل مدل فرضیه پژوهش استفاده می‌شود. فرضیه پژوهش را می‌توان به صورت آزمون فرضیه آماری زیر مورد بررسی قرار داد:

H_0 : قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با سررسید بدهی رابطه معکوس و معناداری

ندارد.

H_1 : قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با سررسید بدهی رابطه معکوس و معناداری

دارد.

با توجه به نتایج آزمون لیمر و هاسمن، رگرسیون تابلویی با اثرات ثابت، برازش شد

که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۶. خلاصه نتایج الگوی فرضیه با استفاده از روش اثرات ثابت طی پایان سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸

$ST = \beta_0 + \beta_1 FSC_{it} + \theta X_{it} + E_{it}$						
نام متغیرها	نماد متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره-t	سطح معناداری	نتیجه
عرض از مبدأ	α_0	۰/۳۵۲۱۸۳	۰/۰۶۲۰۴۱	۵/۶۷۶۶۲۲	۰/۰۰۰۰	مثبت
قابلیت مقایسه صورت‌های مالی	FSC	-۰/۰۰۰۷۸۳	۰/۰۰۰۳۲۵	-۲/۴۱۰۱۰۹	۰/۰۱۶۲	منفی
اندازه شرکت	Size	۰/۰۵۸۶۷۷	۰/۰۰۷۷۰۲	۷/۶۱۸۴۵۷	۰/۰۰۰۰	مثبت
مربع اندازه شرکت	Size ²	-۰/۰۰۱۵۸۰	۰/۰۰۰۲۳۹	-۶/۶۱۳۶۳۸	۰/۰۰۰۰	منفی
ارزش بازار به ارزش دفتری	M/B	۰/۰۰۰۱۶۲	۰/۰۰۰۴۳۴	۰/۳۷۴۱۹۷	۰/۷۰۸۴	غیر معنادار
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۰۰۶۷۰۷	۰/۰۰۰۶۲۶۸	۱/۰۷۰۰۵۳	۰/۲۸۴۹	غیر معنادار

$ST = \beta_0 + \beta_1 FSC_{it} + \theta X_{it} + E_{it}$						
نتیجه	سطح معناداری	آماره-t	خطای استاندارد	ضرایب	نماد متغیرها	نام متغیرها
منفی	۰/۰۰۰۰	-۵/۹۷۵۱۲۰	۰/۰۰۳۹۹۸	-۰/۰۲۳۸۹۱	Fluctuations in asset returns	نوسان بازده دارایی
مثبت	۰/۰۰۰۰	۱۳/۵۴۰۷۶	۰/۰۰۵۰۳۵	۰/۰۶۸۱۸۴	Lev	اهرم مالی شرکت
مثبت	۰/۱۰۰۸	۱/۶۴۲۷۹۶	۰/۰۰۸۷۰۰	۰/۰۱۴۲۹۲	Abnormal earnings	سود غیرعادی
۰/۷۸۹۲۴۶						ضریب تعیین
۰/۷۵۱۷۷۲						ضریب تعیین تعدیل شده
۹۶/۱۹۵۶۵						آماره - F
۰/۰۰۰۰۰۰						سطح معناداری
۱/۵۰۸۳۷۹						دوربین واتسون

از آنجایی که فرض ناهمسانی واریانس در مدل اولیه برقرار نبوده است از روش GLS برای تخمین ضرایب استفاده گردیده است.

نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد که احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، اندازه شرکت، مربع اندازه شرکت، نوسان بازده دارایی، اهرم مالی، بر سررسید بدهی کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. در رابطه با فرضیه باید گفت آماره t متغیر مستقل یعنی قابلیت مقایسه گزارش‌های مالی (FSC)، $-۲/۴۱۰۱$ است که منفی بوده و نشان می‌دهد رابطه بین دو متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نسبت سررسید بدهی منفی می‌باشد. هم‌چنین، سطح معناداری آن $۰/۰۱۶۲$ بوده که زیر ۵ درصد می‌باشد و بیانگر این است که رابطه بین دو متغیر معنادار است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین متغیر قابلیت مقایسه گزارش‌های مالی و سررسید بدهی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. احتمال آماره t برای ضریب متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری، بازده دارایی‌ها بر سررسید

بدهی بیشتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. با اطمینان ۹۵٪ این متغیر در مدل بی‌معنی می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل‌شده، قدرت توضیح دهندگی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که قادر است به میزان ۷۵٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد. احتمال آماره F بیانگر این است که کل مدل از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. برای بررسی استقلال پسماندهای مدل‌های برازش شده از آماره آزمون دوربین-واتسون استفاده شد. اگر مقدار این آماره در محدوده ۲/۵ تا ۱/۵ باشد، استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد، در غیر این صورت شواهد حاکی از فقدان استقلال یا وجود همبستگی سریالی پسماندهای مدل خواهد بود. در اینجا مقدار دوربین واتسون ۱/۵۱ که مقدار این آماره در محدوده ۲/۵ تا ۱/۵ می‌باشد؛ بنابراین استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد. با توجه به فرضیه چون برای ضریب متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی که برابر ۰/۰۰۰۷۸۳- و به دلیل سطح معناداری کمتر از ۵٪ (۰/۰۱۶۲) است، از نظر آماری ارتباط منفی و معناداری با متغیر وابسته یعنی سررسید بدهی دارد. پس فرض H_0 رد می‌شود. می‌توان گفت قابلیت مقایسه گزارش‌های مالی با سررسید بدهی رابطه معکوس و معناداری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، قابلیت مقایسه جزء ویژگی‌های کیفی اطلاعات است که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی باید بتوانند این گزارش‌ها را طی دوره‌های مختلف مقایسه کنند تا بتوانند روند تغییرات در وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری را تشخیص دهند. وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه یکی از ارکان مهم پاسخ‌گویی و تصمیم‌گیری آگاهانه بوده و در رشد و توسعه اقتصادی اثرگذار است. با توجه به مزیت و تأثیر اقتصادی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر شرکت‌ها و نیز اتکای سرمایه‌گذاران، ذینفعان و اعتباردهندگان در تصمیم‌های خود بر این قابلیت، در پژوهش حاضر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت مالی شرکت‌ها و سررسید بدهی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت و

برای سنجش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت از معیار (De Franco et al 2011) استفاده گردید. در راستای آزمون فرضیه پژوهش مبنی بر این که «قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با سررسید بدهی رابطه معکوس و معناداری دارد»، از مدل رگرسیون چند متغیره حداقل مربعات تعمیم‌یافته به روش داده‌های ترکیبی استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سررسید بدهی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و در نتیجه فرضیه پژوهش رد نگردید. قابلیت مقایسه صورت مالی می‌تواند انگیزه مدیران برای مخفی سازی اخبار منفی را کاهش دهد. در واقع، قابلیت مقایسه باعث کاهش هزینه‌های اکتساب و پردازش اطلاعات و افزایش کیفیت اطلاعات ارائه شده به سرمایه‌گذاران می‌شود که با یافته‌های مطالعات پیشین در زمینه قابلیت مقایسه نظیر (Fang et al., 2016؛ De Franco et al., 2011؛ Kim et al., 2016 و Chen et al., 2018) مشابهت دارد. مطابق پژوهش‌های (Fang et al., 2016)، شرکت‌هایی که از اطلاعاتی با قابلیت مقایسه بیشتر برخوردارند، ابهام کمتری در ارزشیابی داشته و وام‌دهندگان متحمل هزینه‌های کمتری برای نظارت و پایش می‌شوند. مقایسه پذیری اطلاعات حسابداری باعث تسهیل انتقال اطلاعات با کیفیت بالا در بین وام‌دهنده و وام‌گیرنده شده و به شکلی مؤثر نظارت واپسین وام‌دهنده‌ها را بهبود می‌بخشد. نتایج آزمون فرضیه پژوهش، با پژوهش (Do (2021) مطابقت داشته؛ در پژوهش (Do (2021) بیان شده است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی که به کاهش تقارن اطلاعات کمک می‌کند، مشکلات نمایندگی بالقوه را کاهش داده و می‌تواند جایگزین مزایای انضباط بازار بدهی شود. به عبارت دیگر، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی می‌تواند (در نقش) سازوکار حاکمیت شرکتی عمل کرده و جایگزین استفاده از بدهی‌های کوتاه‌مدت شود. همچنین اگر سررسید بدهی‌های بلندمدت را به عنوان معکوس سررسید بدهی‌های جاری مدنظر قرار دهیم، یافته‌های این پژوهش به نحوی با یافته‌های پژوهش جعفری و همکاران (۱۴۰۰) که به بررسی ارتباط میان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ساختار سررسید بدهی‌های بلندمدت پرداخته بودند و ارتباط مستقیمی بین آن دو گزارش کرده بودند، همخوانی دارد. یافته‌های این پژوهش

می‌تواند به ادبیاتی که عوامل جایگزینی بین اشکال مختلف سازوکارهای حاکمیت شرکتی را بررسی می‌کند، کمک کند. درنهایت این مطالعه به پژوهش‌هایی کمک می‌کند که بر اهمیت مقایسه صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری تأکید دارند. شایان‌ذکر است ما در اجرای این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز روبه‌رو بوده‌ایم که عبارت‌اند از (۱) با توجه به تورم حاد شرکت حادث شده در سال‌های ۹۷ و ۹۸ که میزان سرمایه در گردش شرکت‌ها را افزایش داده و باعث شد تا جهت تأمین مواد اولیه و تجهیزات برای تولید از منابع و تسهیلات بیش‌تری نیاز داشته و بدهی‌ها از توزیع مناسب و یکنواختی نسبت به سال‌های گذشته برخوردار نباشد؛ (۲) در ایران ساختار تأمین مالی از طریق بدهی، وثیقه محور است و ساختار رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها که در پژوهش‌های مشابه خارجی استفاده شده بود، در ایران کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. احتمالاً پایین بودن ضریب رگرسیون قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با سررسید بدهی علی‌رغم معنادار بودن آن از نظر آماری در این پژوهش می‌تواند ناشی از این موضوع باشد.

با عنایت به نتیجه پژوهش و نقش قابلیت مقایسه به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات که می‌تواند در نقش جایگزینی برای سازوکارهای حاکمیت شرکتی تلقی گردد، توجه بیش‌ازپیش به این موضوع توسط استاندارد گذاران، وام‌دهندگان و ارکان راهبری شرکتی، مورد توصیه است. به‌منظور تبیین مناسب ارتباط میان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سررسید بدهی در ایران، پیشنهاد می‌شود که سایر پژوهشگران، این پژوهش را در دوره‌های زمانی گسترده‌تر و با تعداد شرکت‌های مختلف بیش‌تری، آن را تکرار کرده تا ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سررسید بدهی با توجه به شرایط کشور مشخص‌تر شود، همچنین در این مطالعه، از معیار (De Franco et al (2011) برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه صورت‌های مالی استفاده شده است که پیشنهاد می‌شود در پژوهش آتی از سایر معیارهای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه صورت‌های مالی همچون مدل (Casgino & Gassen (2015) استفاده شود در این پژوهش، اثر صنعت در متغیر سررسید بدهی کنترل نشده است، لذا پژوهشگران می‌توانند در پژوهش‌های آینده آثار صنعت را نیز


مدنظر قرار دهند.

تعارض منافع


تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID


Mohammad Arabmazar
Yazdi

 <https://orcid.org/0000-0002-5430-0477>

Vahid Mennati

 <https://orcid.org/0000-0001-8391-3777>

Javad Roshanzamir

 <https://orcid.org/0000-0003-1287-981X>

منابع

- تقی زاده خانقاه، وحید و قدرت اله طالب نیا، (۱۳۹۷)، تأثیر سررسید بدهی در خطر سقوط قیمت سهام با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی، مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۶(۳)، ۸۷-۱۰۴.
- جعفری، علی؛ ملکی، عاطفه؛ بیداروند، رضا. (۱۴۰۰). رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ساختار سررسید بدهی. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۴(۴۶)، ۱-۱۵.
- حساس یگانه، یحیی، (۱۳۹۴)، *مجموعه مقالات حاکمیت شرکتی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی
- سازمان حسابرسی، کمیته تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۹۸)، *استانداردهای حسابداری*. تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.
- سجادی، سید حسین و علیرضا جعفری (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر طراحی ساختار سرمایه شرکت‌های کوچک و متوسط، *حسابدار*، شماره ۱۹۱، ۲۸-۳۵.
- غنی زاده، حوریه؛ علی پور، سعید؛ شاه ولی زاده، عادل (۱۳۹۸)، بررسی قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و هزینه تأمین مالی از طریق بدهی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، *هفدهمین همایش ملی حسابداری ایران*، قم
- مشایخی، بیتا و فرشاد محمدپور (۱۳۹۳)، کیفیت گزارشگری مالی، سررسید بدهی و کارایی سرمایه‌گذاری، *راهبرد مدیریت مالی*، ۲(۴)، ۱-۱۴.
- مهربان پور، محمدرضا، فرجی، امید؛ سجادپور، رضا (۱۳۹۹)، نقش میانجی کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۱)، ۱۵۳-۱۳۲.
- هاشمی، سید عباس؛ صمدی، سعید؛ هادیان، ریحانه. (۱۳۹۳). اثر کیفیت گزارشگری مالی و سررسید بدهی بر کارایی سرمایه‌گذاری. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۱(۴۴)، ۱۱۷-۱۴۳.

References

- Barclay, M. J., Marx, L. M., & Smith Jr, C. W. (2003). The joint determination of leverage and maturity. *Journal of corporate finance*, 9(2), 149-167.
- Brochet, F., Jagolinzer, A. D., & Riedl, E. J. (2013). Mandatory IFRS adoption and financial statement comparability. *Contemporary*

- Accounting Research*, 30(4), 1373-1400.
- Chen, C. W., Collins, D. W., Kravet, T. D., & Mergenthaler, R. D. (2018). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 164-202.
- Custódio, C., Ferreira, M. A., & Laureano, L. (2013). Why are US firms using more short-term debt?. *Journal of Financial Economics*, 108(1), 182-212.
- De Franco, G., Kothari, S. P., & Verdi, R. S. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting research*, 49(4), 895-931.
- Do, T. K. (2021). Financial statement comparability and corporate debt maturity. *Finance Research Letters*, 40, 101693.
- Do, T. K., Lai, T. N., & Tran, T. T. (2020). Foreign ownership and capital structure dynamics. *Finance Research Letters*, 36, 101337.
- Fang, X., Li, Y., Xin, B., & Zhang, W. (2016). Financial statement comparability and debt contracting: Evidence from the syndicated loan market. *Accounting Horizons*, 30(2), 277.
- Financial Accounting Standards Board (FASB). (2010). *Statement of financial accounting concepts no. 8: conceptual framework for financial reporting*.
- Flannery, M. J. (1986). Asymmetric information and risky debt maturity choice. *The Journal of Finance*, 41(1), 19-37.
- Gomariz, M. F. C., & Ballesta, J. P. S. (2014). Financial reporting quality, debt maturity and investment efficiency. *Journal of banking & finance*, 40, 494-506.
- Gopalan, R., Song, F., & Yerramilli, V. (2014). Debt maturity structure and credit quality. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 49(4), 817-842.
- Habib, A., Hasan, M. M., & Al-Hadi, A. (2017). Financial statement comparability and corporate cash holdings. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13(3), 304-321.
- Harris, M., & Raviv, A. (1990). Capital structure and the informational role of debt. *The Journal of Finance*, 45(2), 321-349.
- He, Z., & Xiong, W. (2012). Rollover risk and credit risk. *The Journal of Finance*, 67(2), 391-430.
- Huang, K., & Shang, C. (2019). Leverage, debt maturity, and social capital. *Journal of Corporate Finance*, 54, 26-46.
- Kim, J. B., Li, L., Lu, L. Y., & Yu, Y. (2016). Financial statement comparability and expected crash risk. *Journal of Accounting and Economics*, 61(2-3), 294-312.
- Kim, J. B., Li, L., Lu, L. Y., & Yu, Y. (2021). Financial statement comparability and managers' use of corporate resources. *Accounting*

& *Finance*, 61, 1697-1742.

- Kim, S., Kraft, P., & Ryan, S. G. (2013). Financial statement comparability and credit risk. *Review of Accounting Studies*, 18(3), 783-823.
- Ortiz-Molina, H., & Penas, M. F. (2008). Lending to small businesses: The role of loan maturity in addressing information problems. *Small Business Economics*, 30(4), 361-383.
- Rajan, R., & Winton, A. (1995). Covenants and collateral as incentives to monitor. *The Journal of Finance*, 50(4), 1113-1146.
- Schipper, K. (2003). Principles-based accounting standards. *Accounting horizons*, 17(1), 61.
- Sohn, B.C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management. *Journal of Accounting Public Policy*, 35, 513-539.
- Zhang, J. H. (2018). Accounting comparability, audit effort, and audit outcomes. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 245-276.

References [In Persian]

- Ghanizadeh, H., Alipour, S., & Shahvalizadeh, A. (2018). Investigating the comparability of accounting information and the cost of debt financing in companies listed on the Tehran Stock Exchange, 17th National Accounting Conference of Iran, Qom. [In Persian]
- Hasan Yeganeh, Y. (2014). *Essays on corporate governance*, second edition, Tehran Elmi O Farhangi Publications. [In Persian]
- Hashemi, S., Samadi, S., & Hadian, R. (2015). The effect of financial reporting quality and debt maturity on investment efficiency. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 11(44), 117-143. [In Persian]
- Iranian Accounting Standards Committee (2018). *Accounting standards*. Tehran: Publications of Audit Organization. [In Persian]
- Jafari, A., Maleki, A., & Bidarvand, R. (2021). Relationship between comparability of financial statements and debt maturity structure. *Journal of Accounting and Management Vision*, 4(46), 1-15. [In Persian]
- Mashayekhi, B., & Mohammadpour, F. (2014). Financial Reporting Quality, Debt Maturity and Investment Efficiency. *Financial Management Strategy*, 2(4), 1-14. doi: 10.22051/jfm.2014.1805. [In Persian]
- Mehrabanpour, M.R., Faraji, O., & Sajadpour, R. (2020). The Mediating Role of Financial Reporting Quality on the Relationship between Financial Statement Comparability and Cash Holdings. *Accounting and Auditing Review*, 27(1), 132-153. [In Persian]
- Sajjadi, S. H., & Jafari, A. (2007). Factors affecting capital structure of small and medium companies, Iranian Institute of Certified Accountants,

- Iranian Journal of Accountancy*, 191, 28-35. [In Persian]
- Taghizadeh Khanqah, V., & Talebnia, G. (2018). The Impact of Debt Maturity on Stock Price Crash Risk with an Emphasis on Information Asymmetry. *Journal of Asset Management and Financing*, 6(3), 87-104. doi: 10.22108/amf.2017.21211. [In Persian]

استناد به این مقاله: عرب مازار یزدی، محمد، منتی، وحید، روشن ضمیر، جواد. (۱۴۰۱). میزان اتکای حساب‌برسان مستقل بر کار حساب‌برسان داخلی با توجه به راهبرد پرورش مدیر، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۹(۷۵)، ۹۵-۱۲۳.

DOI: 10.22054/qjma.2022.67284.2370



Empirical Studies in Financial Accounting is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

